

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان
برگردان از: حمید محوی
۳۰ اکتوبر ۲۰۱۳

خودکشی جمعی نزد سعودی ها



در حالی که عربستان سعودی طرحی را که قطر برای براندازی رژیم لائیک سوریه پی گیری می کرد، به عهده گرفته است، ولی اینگونه به نظر می رسد که ریاض قادر به انطباق سیاست هایش با عقب نشینی ناگهانی ایالات متحده نیست، و نه تنها توافق روسیه و امریکا را مردود می داند بلکه به جنگ ادامه داده و علاوه بر این اعلام کرده است که برای مقابله به مثل اقداماتی برای تنبیه ایالات متحده در نظر می گیرد. از دیدگاه تی یری میسان، پافشاری عربستان سعودی به مثابه خودکشی جمعی در خاندان سعودی ها به نظر می رسد.

شبکه ولتر/دمشق/۲۸ اکتوبر ۲۰۱۳

روشن است که امریکا عربستان سعودی را در سوریه تنها گذاشته است، ولی پرسش این است که آیا در فقدان توان پیروزی سعودی ها دست به خودکشی خواهند زد؟ این موضوعی است که می توانیم از حوادث زیر نتیجه بگیریم :
۳۱ جولای ۲۰۱۳، شاهزاده بندر بن سلطان به روسیه رفت و نه تنها مورد استقبال همقطار خود، رئیس سرویس اطلاعاتی قرار گرفت بلکه رئیس جمهور ولادیمیر پوتین نیز از او استقبال به عمل آورد. در مورد این ملاقات دو روایت مختلف وجود دارد.

برای سعودی ها بندر بن سلطان بیاناتش را به نام سلطنت سعودی و ایالات متحده مطرح کرده است. به شرط این که روسیه از پشتیبانی سوریه قطع نظر کند، او ۱۵ میلیارد دلار سلاح روسی به مسکو سفارش خواهد داد.

ولی برای روس ها، شاهزاده بندر با تکبر تهدید کرده است که اگر مسکو از پشتیبانی رژیم لائیک دمشق دست بردارد جهاد طلبان را برای ایجاد اختلال در بازی های المپیک در «سوچی» بسیج خواهد کرد، و سپس بر آن بوده است که پوتین را خریداری کند. حقیقت هر چه باشد، رئیس جمهور ولادیمیر پوتین بیانات مخاطب خود را توهین به روسیه تلقی کرده است.

۳۰ سپتامبر، نام شاهزاده «سعود آل فیصل» در برنامه سخنرانی عمومی شصت و هشتمین اجلاس عمومی سازمان ملل متحد به ثبت رسیده بود، ولی با عصبانیت به دلیل گرم شدن مناسبات ایران و ایالات متحده، وزیر امور خارجه سعودی بی آن که عذر خواهی کند جلسه را ترک کرد و مانع پخش متنی شد که از پیش برای نمایندگان آماده کرده بود.

۱۱ اکتوبر، معاون دبیر کل سازمان ملل متحد و مسؤول قدیمی وزارت امور خارجه برای خاور میانه «جفری فیلمن» (۱) با یک هیأت لبنانی ملاقات کرد. با اشاره به نام «بان کیمون» و بیشتر به نام رئیس جمهور «اوباما»، از سیاست خارجی عربستان سعودی که انباشته از کینه ورزی بود و در فقدان توانائی برای انطباق خود با شرایط جدید و جهانی که در حال تحول است، با صراحت و قاطعیت انتقاد نکرد.

۱۸ اکتوبر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ۱۷۶ رأی از ۱۹۳ رأی، عربستان سعودی را برای دو سال از تاریخ ۱ جنوری ۲۰۱۴ به عنوان عضو غیر دائمی شورای امنیت برگزیدند. «عبدالله المعلمی» سفیر عربستان سعودی از این پیروزی خشنود بود که «کارائی سیاست سعودی متأثر از میانه روی بوده». با این وجود چند ساعت بعد، شاهزاده «سعود آل فیصل» بیانیه ای را که آغشته به با لحن ناصری بود منتشر کرد و اعلام داشت که به دلیل ناکارآمدی شورای امنیت، رژیم سلطنتی بر این کرسی نخواهد نشست. اگر انگیزه رسمی و اصلی مطرح شده مسأله سوریه بود، آقای وزیر در عین حال از افشای مسأله فلسطین و سلاح های کشتار جمعی در خاور میانه کوتاهی نکرد، به این معنا که ایران و اسرائیل را به عنوان دشمن شماره یک صلح معرفی کرد.

با آگاهی به این امر که انتقاد از سیاست سازمان ملل متحد در مورد سوریه، مستقیماً روسیه و چین را زیر علامت سؤال می برد که سه بار از حق وتوی خود استفاده کرده اند. این بیانیه در واقع توهین به چین بود، اگر چه چین در حال حاضر مشتری اصلی نفت عربستان سعودی است. این تغییر لحن اگر چه موجب نگرانی سازمان ملل شد، ولی از سوی دیگر با تمجید پر سر و صدای مقامات ترکیه و فرانسه مورد استقبال قرار گرفت و اعلام کردند که نارضایتی عربستان را در مورد سوریه درک می کنند.

۲۱ اکتوبر، وال استریت ژورنال نوشت که شاهزاده بندر بن سلطان دیپلمات های اروپائی در ریاض را به منزلش دعوت کرده بود. گویا رئیس سرویس سرّی از خشم سعودی ها در مورد نزدیکی ایران و امریکا و عقب نشینی نظامی ایالات متحده در سوریه برای مدعوین روایت کرده بوده است. در حضور مهمانان، او به شکل غافلگیر کننده ای اعلام کرد که رژیم سلطنتی بر آن است تا بر اساس اصل مقابله به مثل، سرمایه گذاری هایش را از امریکا خارج کند. روزنامه وال استریت با اشاره به واقعه ای که در مورد کرسی شورای امنیت روی داده بود، مشخصاً می نویسد که به گفته شاهزاده بندر، بیانیه علیه چین نبود بلکه علیه واشینگتن تدوین شده بود. این موضوع مشخص وقتی جالب تر به نظر می رسد که به وضعیت پیش آمده مرتبط نمی گردد.

ناباوری در مقابل چنین بیاناتی و با تفاسیر تسکین بخش وزارت امور خارجه، شاهزاده «ترکی بن فیصل» به رویترز می گوید که گفتار، دشمن شخصی اش، «بندر بن سلطان»، کاملاً تمام رژیم سلطنتی را در بر می گیرد و سیاست جدید زیر علامت سؤال نیست. در نتیجه انشعابی بین دو خانواده سعودی حاکم، یعنی «سدیر» و «شریم» صورت نگرفته، و کاملاً متشکل از یک رویکرد مشترک است.

به شکل مختصر وضعیت به این شکل است که عربستان سعودی طی جولای به روسیه توهین کرده، دو هفته پیش به چین و حالا به امریکا ناسزاگویی می کند. رژیم سلطنتی اعلام داشته است که سرمایه گذاری هایش را از امریکا احتمالاً به ترکیه و فرانسه منتقل خواهد کرد، حتی اگر هنوز هیچ کارشناسی نمی داند چگونه این انتقال سرمایه صورت می گیرد و یا آیا ممکن هست یا نیست؟ چنین رفتاری را می توانیم به دو شکل توضیح دهیم: یا ریاض در نقش خشم آگین خود در پی متقاعد ساختن ایالات متحده در ادامه جنگ در سوریه است، بی آن که مسؤلیت آن را بپذیرد، و یا این که خاندان سعودی می خواهد به شکل جمعی خودکشی سیاسی راه بیندازد.

فرضیه اول با وجود دعوت شاهزاده «بندر» از دیپلمات های اروپائی مردود به نظر می رسد. اگر به شکل مخفیانه برای ایالات متحده نقش بازی کرده باشد، از تبلیغ برای انقلاب در مقابل هم پیمانان امریکا امتناع می کرد. فرضیه دوم تداعی کننده یکی از خصوصیات شتر، این حیوان جادویی نزد صحرا نشینان سعودی است. قابلیت تحمل شتر در بارکشی طی سال ها بسیار است ولی شهرت این حیوان به این علت است که یک روز به هر بهائی که تمام شود، انتقام می گیرد.

در نتیجه موضوع ادامه حیات عربستان سعودی از تاریخ گزینش «جان برنان» (۲) در رأس سازمان سیا در مارچ ۲۰۱۳ مطرح گردیده است. پیش از این او در عربستان خدمت می کرد و با راهکارهای جانشینان خود در ریاض قاطعانه مخالف است: یعنی با جهاد طلبی بین المللی مخالف است. «جان برنان» بر این باور است که اگر این مبارزان در افغانستان، یوگوسلاوی و چچنی کار خوبی عرضه کردند، ولی تعدادشان خیلی زیاد شده و اداره ناپذیرند. چیزی که در آغاز به چند عرب افراطی محدود بود و به ارتش سرخ ضربه وارد می آوردند سرانجام به یک مجموعه وسیع از شبکه ای تبدیل شد که از مراکش تا چین گسترش یافته است. این شبکه ها به طور مشخص بیشتر برای به پیروزی رساندن الگوی جامعه سعودی مبارزه می کنند تا از میدان راندن رقبای ایالات متحده.

پیش از این، به سال ۲۰۰۱، ایالات متحده با مسؤول جلوه دادن القاعده در حمله تروریستی ۱۱ سپتمبر، در فکر حذف آن بود. با این وجود، با قتل رسمی اسامه بن لادن طی می ۲۰۱۱، تصمیم گرفت که این شبکه را بازسازی کند و در لیبیا و سوریه نیز از آن بیشترین استفاده را به عمل آورد. بدون القاعده هرگز معمر قذافی سرنگون نمی شد، همان گونه که امروز حضور «عبدالقادر بلحاج» شماره ۲ سابق این سازمان به عنوان حاکم نظامی طرابلس این موضوع را به روشنی نشان می دهد. در هر صورت، از دیدگاه «جان برنان»، جهاد طلبان بین المللی باید به ابعاد ضعیفتری تنزل پیدا کنند و به عنوان نیروئی آماده برای سازمان «سیا» و انجام برخی مأموریت های احتمالی حفظ شوند.

جهادیسیم نه تنها یگانه نیروی واقعی عربستان سعودی است و در شکل دو ارتش از دو بخش از خاندان سعودی تبعیت می کند بلکه تنها علت وجودی آن نیز می باشد. واشینگتن از این پس به رژیم سلطنتی برای تأمین هیدروکربور نیازمند نیست، و نه حتی برای صلح با اسرائیل. به همین علت واشینگتن به طرح قدیمی نوکنسرواتورها بازگشته است: یعنی «پرتاب سعودی ها به خارج از عربستان»، چنین طرحی بر اساس عنوان نظریه ای طی جولای ۲۰۰۲ به شورای سیاسی وزارت دفاع پیشنهاد شد. این طرح تجزیه کشور را به پنج منطقه

جدا از یکدیگر پیشبینی می کرد. سه منطقه سه کشور مستقل را تشکیل خواهد داد و دو منطقه دیگر به دولت های دیگر ضمیمه خواهد شد.

با گزینش زور آزمائی با امریکائی ها، خاندان سعودی ها به آنها حق انتخاب نمی دهد. نا محتمل است که واشینگتن بپذیرد که چند صحرا نشین ثروتمند به او دیکته کنند، ولی می توانیم پیشبینی کنیم که آنها را سر جایشان خواهد نشاند. سال ۱۹۷۵ در به قتل رساندن ملک فیصل تردیدی به خود راه نداد. این بار، وضعیت خیلی حساس تر است.

پی نوشت :

(۱) Jeffrey Feltman

(۲) John O. Brennan

منبع :

<http://www.voltairenet.org/article180699.html>

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۸ اکتوبر ۲۰۱۳

شبكة ولتر